

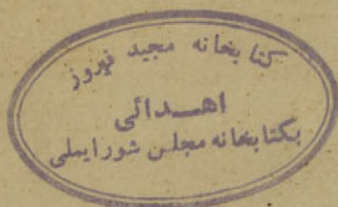
۱۹
دعایا و تعقیبات

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

خطی اهدائی

۲۲

۲۴۸۴



کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب ردای صباغ و غیره در تصنیف بهارچهارم

مؤلف

موضوع

تعداد نسخه

تعداد نسخه ثبت کتاب

۴۲۳۹۶

۸۱۶۰

خطی اهدائی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

۳۳

۲۳۸۴

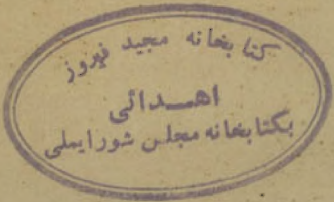


۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰

کتابخانه مجلس شورای ملی	
کتاب: دین و سیاست و غیره در تصانیف بزرگان	
مؤلف:	مؤلف:
موضوع:	موضوع:
شماره اختصاصی:	۴۲ (از کتب خطی)
تیمار سرانگشت:	کتابخانه مجلس شورای ملی
شماره ثبت کتاب:	۴۲۳۹۶
	۸۱۶۰

خطی اهدائی
کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی
۳۲

۲۴۸۴



کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: دعای صباح و عصر و تحفۃ العبد

موضوع: دعا

شماره: ۲۲

تیمار: سر لنگر صیحه فیروز (نام: الدواد) (کتابخانه مجلس شورای ملی)

خطی اهدائی

۲۲

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی



دعاء صبحا حضرت امیر المؤمنین علیہ السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خداوند بخشنده و مهربان

اللَّهُمَّ يَا مَنْ دَلَّ لِسَانُ الصَّبَا

خداوند ای که سروس او در زبان صبح

يَنْطِقُ تَبْلِيْهِ وَسَرَّحَ قِطْعَ

هر سخن که روشن کردن او و روانه کرد و بار پای

الَّيْلِ الظُّلُمِ بَغْيَا هَبْ تَبْلِيْهِ

شب تاریک را سارنگهای لرزان

وَاتَّقِنْ صَنْعَ الْفَلَكَ الدَّوَّارِ

و محکم گردان سر آسمانهای گردان

فِي مَقَادِيرِ تَرْجِيْهِ وَشَعْشَعِ

در اندازه های ارسلان و راه دور

ضِيَاءِ الشَّمْسِ بِنُورِ تَاجِهِ

روشنی شام را سوراخ و سکان

يَا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِهِ

ای کسی که راه خود را با خود نشان داد

وَتَرَهُ عَنِ مَجَاسِدِ مَخْلُوقَاتِهِ

و سرده است از هم پس بودن مخلوقات خود

وَجَلَّ عَنْ مَلَأْمَةٍ كَيْفِيَّاتِهِ

و بزرگ است از تمام عیوبهای خود

يَا مَنْ قَرَّبَ مِنْ خَوَاطِرِ الظُّنُونِ

ای کسی که نزدیک است از خاطرهای گمانها

وَبَعْدَ عَنْ مَلَا حِظَةِ الْعِيُونِ

و دور است از حد و حیطه چشمها

وَعَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونِ

و دانست هر چیزی که پیش از آنکه باشد

يَا مَنْ أَرَقَدَنِي فِي مَهَادِ أَمْنِهِ

ای آنکه خوابانید مرا در سرای امن خود

وَأَمَانِهِ وَأَيُّقِظُنِي لِمَا مَخْنِي

و امان خود و بیدار کرد مرا از سوزی آنکه خستیدم

بِهِ مِنْ مَنَنِهِ وَاحْسَانِهِ وَ

از رحمت و نعمتهای خود و احسان خود و

كَفَّ أَكْفَ السُّوءِ عَنْ بَيْدِكَ

باز داشت دهنهای بدی را از پیش تو خود

وَسَلَّطَانِهِ صَلَّ اللَّهُمَّ

و بادشاهی خود رحمت کن خدا را

عَلَى الدَّائِلِ إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ

بر دایم که میسرده به سوی تو در شب

الْأَلِيلِ وَالْمَاسِكِ مِنْ

بازمانده و حکمت رانده از

أَسْبَابِكَ بِجَبَلِ الشَّرَفِ

بستهای تو بر بستان بزرگواری

الْأَطْوَلُ وَالنَّاصِعُ الْحَسِبَ

که سار رسالت و که کلمه بر لب دشت بذران خود

فِي ذُرْوَةِ الْكَاهِلِ الْأَعْبَلِ

در غنچه ای سر و شانه که مجلس تمام است

وَالثَّابِتِ الْقَدِيمِ عَلَى خَالِفِهَا

و ثابت قدم است بر کوه های پیر سران

فِي الزَّمَنِ الْأَوَّلِ وَعَلَى إِلَهِ الْأَخْيَارِ

در زمانه های اول و بر بال او که نگار

الْمُصْطَفَيْنِ الْأَبْرَارِ وَافْتَحَ اللَّهُ

و برگزیده گان و برگزیده گان را بسته و بگشاید

لَنَا مَصَارِعَ الصَّبَاحِ بِمَفَاتِحِهَا

بر ما درهای صبح را به کلمه های

الرَّحْمَةِ وَالْفَلَاحِ وَالْبَسْنِ

رحمت و فروری و بوسان رسن

اللَّهُمَّ مِنْ أَفْضَلِ خَلْعِ الْهُدَايَةِ

خدایا از بهترین حلقه های هدایت

وَالصَّلَاحِ وَاعْزِزِ اللَّهُمَّ

و صلاح را و عزت کن خدایا

لِعَظَمَتِكَ فِي شَرْبِ جَنَانِي

برای عظمت خود در کوبیدن آب خوردن دل من

بِنَيَاطِيعِ الْخُشُوعِ وَاجْزِ اللَّهُمَّ

چشمه های فروزی را و عجز کن خدایا

لِهَيْبَتِكَ مِنْ أَمَا فِي زَفَرَاتِ

برای همت تو از کوه های چشم من و امانی

الدُّمُوعَ وَادَّبِ اللَّهُمَّ نَزَقَ

اسکت را اصلاح کن خدا ما درستی

الْمُخْرَجَتَيْنِ بِأَزْمَةِ الْقُتُوعِ

وخرج صلی ازین بهار بای فاعت

الْهَيَّ اِنْ لَمْ تَبْتَدِئِي الرَّحْمَةَ

خدای من اگر ابتدا نکرده مرا رحمت

مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفِيقِ فَمِنْ

از تو به بهت سبب توفیق پس گشت

السَّالِكُ بِإِلَيْكَ فِي وَاضِحِ

راه بر من بای تو در اسرار

الطَّرِيقِ وَانْ أَسْلَمْتُ نَأْتِكَ

را دهنده کی و اگر تسلیم شوم به تو

لِقَائِدِ الْأَمَلِ وَالْمُنَى مِنَ الْبَقِيلِ

ای سرای را ستمانی امیدوار دو من کس اصلاح کند

عَثَارَتِي مِنْ كِبُوعِ الْهَوَى

لرس من از افتاد و خواستد رس

وَأَنْ خَذَلَنِي نَصْرُكَ عِنْدَ

و اگر در و کذا در و مرا باری تو در

مُحَارَبَةِ النَّفْسِ وَالشَّيْطَانِ

جنگ کردن من و شیطان

فَقَدْ وَكَلَنِي خِدْلَانِكَ إِلَيَّ

پس محمود و کذا شد مرا باری تو بوی

حَيْثُ النَّصَبِ وَالْحِمَاَنِ الْهَيَّ

جبهه رخ و بی بهره شوم خدای من

اَتَرَانِي مَا اَتَيْتُكَ الْاَمْرَ حَيْثُ

می پستی مرا که نادم بودم که از جهت

الْاَمَالِ اَمْ عَلِقْتُ بِاَظْرَفِ

امیدهای من بودم که در آغوش خود را بکنارهای

جِبَالِكِ الْاَحْيَانِ بِاعْتِقَانِي

رسمهای تو که در وقتی که دور کرد مرا

ذُنُوبِي عَنْ دَارِ الْوَصَالِ

گناههای من را از دار وصل

فَبَلَسَ الْبَطِيَّةُ الَّتِي اَمْتَطَتِ

پس بدرگهی است که هرگز خود را جاده نرسیدن

مِنْ هَوَاهَا فَوَاهَا لِمَا سَوَّلَتْ

از خواهشهای خود پس بخت دارم از آنکه رسد او

لَهَا ظَنُّوْهَا وَمِنْهَا هَا وَتَبَّ

برای منش من نه و آورد او و بطور عباد

لَهَا الْجُرْأَتُهَا عَلَى سَيِّدِهَا

او در اجرت او برای خدای خود

وَمَوْلَاهَا اِلٰهِي قَرَعَتْ بَابَا

و صاحب سار خود خدای من که در

رَحْمَتِكَ بِيَدِ رَجَائِي وَ

رحمت تو را بدست امید خود و

هَرَبْتُ اِلَيْكَ لَا حِيَا مِنْ فَرْطِ

که گریه می نمودم که ماه آورنده ام از روی

اَهْوَايَ وَعَلِقْتُ بِاَظْرَفِ

بهره های خود و چسبیدم بکنارهای

جَبَّالِكَ أَنَا مِلَّ وَلَا بُدَّ لِي فَاصْفَحْ

رسمان و سرکشانی خود را من در گذر

اللَّهُمَّ عَمَّا كَانَ اجْرَمْتُهُ مِنْ أَرْبَابِ

خدا ما از کلمه های که کرده ام میان ران را از سر من

وَحَطَابِي وَأَقْلَبْنِي اللَّهُمَّ مِنْ

و خطا جو و خدا من کن مرا حسنه امانه

صِرْعَةٍ رَدَائِي وَعُسْرَةٍ بِلَائِي

لریدن و ناله من و دشواری طای من

فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَمَوْلَا

من درستی و سی افای من و صاحب من

وَمَعْتَدِي وَرَجَائِي وَغَايَةِ

و معتمد من و امید من و نهایت من

مُنَايَ فِي مُنْقَلَبِي وَمَوْنَا

در عای و لغت و عای افای من

إِلَهِي كَيْفَ تَطْرُقُ سِكِينًا

خدای من چگونه دور می آید از وجود من

الْتِجَاءِ إِلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ

که ما به آورده است بوی و از کلمات

أَمْ كَيْفَ تَحْيِي مُسْتَرْشِدًا

ما چگونه تا امید منی و حسنه خود را

فَصَدِّ إِلَيَّ جَنَابِكَ سَاعِيًا

که بخواند بر من بوی و صاحب تو در حاکم من

أَمْ كَيْفَ تَرُدُّ ظَانًا وَرَدًا إِلَيَّ

ما چگونه رو می گردانی به من که رسیده بوی

حِیَا ضَنْکَ شَارِبًا کَلًّا وَحِیَا

حوضهای تو در حسیکه اما سده لب جامه دل اند

مُتَرَعَّاهٌ فِی ضَنْکِ الْمَحُولِ وَبَابُکَ

حوضهای تو سر لب در کنی محلول و در لب

مَفْتُوحٌ لِلطَّلَبِ وَالْوُغُولِ

مازات برای طلب کردن و دهرشت ن در لب

وَأَنْتَ غَايَةُ السُّؤْلِ وَنَهَايَةُ

دری غایت خرابی و سرشندان و آخر از وی

الْمَأْمُولِ إِلَهِی هَذِهِ أَرْمَةٌ

اردو میدان جدای من این محب را می

نَفْسِی قَدْ عَقَلْتُهَا بِعِقَالٍ

من می است که را بود کردم به

مَشِيتِكَ وَهَذِهِ اَعْبَاءُ دُکُونِ

از او بود و این را می که این می است

دَرَاتُهَا بِرَحْمَتِكَ وَهَذِهِ اَهْوَاؤُکُمْ

که دفع کردم آنها را با ماری رحمت تو و این می می است

الْمُضِلَّةُ وَكَلَّتْهَا إِلَى جَنَّتِ

که را که ای می دار در با کردم ابراه سوی خواب

لَطْفِكَ فَاجْعَلِ اللَّهُمَّ صَبَاحِی

لطفت تو سر کردن خدا را در صبح را

هَذَا نَارٌ لَا عَلَیْ بِضِیَاءِ الْهَدَى

خود را سده بر من روشنی جرات

وَالسَّلَامَةُ فِي الدِّینِ وَالْدُّنْيَا

وسلالت در دین و دنیا

وَمَا يُجَنِّتُكَ مِنْ كَيْدِ الْعَدُوِّ

و ما کنه مرا بچ از کید دشمنان

وَوَقَايَةٍ مِنْ مُرَدِّ يَدِ الْهَوَىٰ

و نگاهداری از برگشتن دست خواهی نفس

إِنَّكَ قَادِرٌ عَلَىٰ مَا تَشَاءُ تَوَتَّىٰ

درست کنی و اما می سرحد که اراده کنی و مدهی

الْمَلِكُ مِنْ تَشَاءٍ وَتَنْزِعُ الْمَلِكُ

فک را بکن که خواهی و مکنی ملک را

مِنْ تَشَاءٍ وَتَعِزُّ مِنْ تَشَاءٍ وَتَذَلُّ

از مکن که خواهی و عزیز مکنی که خواهی و ذلیل

مِنْ تَشَاءٍ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلِيُّ

مکن که خواهی بدست تو بخیر است بگوئی بر همه چیز

كُلِّ شَيْءٍ قَدْ يَرْتَوِجُ اللَّيْلُ

بهره گیری از هر چیزی که در شب

فِي النَّهَارِ وَتَوَلَّى النَّهَارُ فِي

روز و در شب بگردد روز

اللَّيْلِ وَتَخْرُجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ

شب و حیات را از مردگان

وَتَخْرُجُ الْمَيِّتُ مِنَ الْحَيِّ وَتَزُو

و مردگان را از حیات و روزی مدهی

مِنْ تَشَاءٍ بِغَيْرِ حِسَابٍ لَا إِلَهَ

مکن که خواهی بی اندازه و حساب پس بگوئی

إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ

مکن که خواهی ای خداوند ما را

وَبِحَدِّكَ جَلَّ شَأُوكَ مِنْ ذَا

و بسم الله الرحمن الرحيم را بزرگ است مای تو گشت احد

يَعْرِفُ قَدْرَتَكَ فَلَا يَخْأُفُكَ

داند قدرت را پس برسد از تو

وَمَنْ ذَا يَعْلَمُ مَا أَنْتَ فَلَا يَهْزَأُكَ

و است احد داند پس برسد از تو

أَلَفْتَ بِقَدْرَتِكَ الْفِرَقَ وَ

الف ادی قدرت خود سر فرود و

فَلَقْتَ بِرَحْمَتِكَ الْفَلَقَ وَأَنْتَ

کافی رحمت خود صبر و دورانی کردی

بِكَرَمِكَ دَيَا حَى الْغَيْقِ وَ

بكرم خود بزرگهای شاد را و

وَأَنْهَرْتَ الْمِيَاهَ مِنَ الصُّمِّ الصَّيْثَا

جاری ساختی امه را از گشت سمناخت

عَذَّبُوا وَأَجَا جَا وَأَنْزَلْتَ مِنْ

در حالی که کسی شستن رحمت و در دست نهادی

الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَا جَا وَجَعَلْتَ

ارای ش رذا بارانی گشت شد و کردیدی

الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِلْبَرِّيَّةِ سِرَاجًا

آفتاب ماه را در برای صل چراغ

وَمَا جَا مِنْ غَيْرِ أَنْ تَمَاسَ فِيمَا

روشنی ای که ببارت مانی در از برای که

أَبْتَدَيْتَ بِهِ لُغُوبًا وَلَا عِلَاجًا

ابتدا کرده کنان است و نه علاج را

فِيَا مَنْ تَوَحَّدَ الْغُرُ وَالْبَقَاءُ

سرای کسی که تنه تو در غایت

وَقَهْرُ عِبَادِهِ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ

و قاهر بی مدکان خود با موت و فنا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَقْيَانِ

رحمت کن خدا بر محمد و آل او که سرکارند

وَاسْتَمِعْ نِدَائِي وَاهْلِكَ عَذَابِي

و بشنو ندای مرا و هلاکت کن دشمنای

وَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَحَقِّقْ

و قبول کن دعای مرا و اوست کن

بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَرَجَائِي يَا حَيُّ

به فضل خود امید مرا و آرزوی مرا ای زنده

مَنْ دَعِيَ لِكَشْفِ الضَّرِّ وَالْمَأْمُولِ

ای کسی که خوانده شود آرزای دفع ضرر و طلب

لِكُلِّ عَسِيرٍ وَيُسِيرُ بِكَ أَنْزَلْتُ جَحْمِي

در آرزای هر سوار و سوارانی سوار دل کردم جحمت خود

فَلَا تَرُدَّنِي يَا سَيِّدَ يَا سَيِّدَ

پس راندن مرا ای آقای من ای آقای من

مِنْ سَنِي مَوَاهِبِكَ خَائِبًا

از سینه بخششهای خود ناامید و ناچار

يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ

ای کریم ای کریم ای کریم

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ

ای رحیم کننده ترین رحیم کننده گان و رحمت فرست خدا

عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

رسول من خود امامی ما محمد

وَاللَّهُ الظَّالِمِينَ

وال او را کاشد

اگر چه من است و این تبار را بدو از محبت

بعد از آن بهر و مناجات و در بر

الهي قلبي محجوب و نفسي معي

خدایا دل من مستور است و نفس من معی

و عقلي مغلوب و هوای

و عقل من مغلوب است و هوا من مغلوب است

وطاعتی قليل و معصیتی

و طاعت من اندک و معصیت من

كثِيرٌ وَلِسَانِي مُقَرَّبٌ إِلَى نُوبِ

کثیر و لسان من مقرب است به نوب

فَكَيْفَ حِيلَتِي يَا عَلَامَ الْغُيُوبِ

پس چگونه شد حدیث من ای سار و اسرار همه

وِاسْتَارَ الْعُيُوبِ يَا غَفَّارَ

و ای پوشنده و پنهان و ای آمرزنده

الذُّنُوبِ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا

که گناهان مرا همه را که گناهان مرا همه را

يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ يَا شَدِيدَ

ای آمرزنده ای آمرزنده ای آمرزنده ای سخت

الْعِقَابِ يَا غَفُورُ يَا رَحِيمَ حَلِيمَ

عفو کننده ای آمرزنده ای مهربان ای بردبار

يَا كَرِيمُ اقْضِ حَاجَتِي بِحَقِّ الْقُرْآنِ

ای کرامی روا که حاجت مرا بجز قرآن

الْعَظِيمِ وَالنَّبِيِّ الْكَرِيمِ وَصَلَّى

بزرگ و نبی کرامی و درود

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ الطَّاهِرِينَ

بر محمد و آل او همه پاکان که آید

رَغَاءٌ عَدِيلٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نام خداوند بخشنده و مهربان

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

گوای داد که است خدا که است خدا و خدای

الْغَنِيِّ الْحَكِيمِ إِنَّ الدِّينَ

کتاب و حکمت در سبک دین

عِنْدَ اللَّهِ الْأَسْلَامُ وَأَنَا الْعَبْدُ

در بر خدا اسلام است و من بنده ام

الضَّعِيفُ الْمُسْكِنُ الْحَقِيرُ

بازوای درویش و پست و حقیر

الْمُتَحَاجُّ الْفَقِيرُ أَشْهَدُ لِنَبِيِّ

محتاج بجز سعاد و سعادتمندی و نبی

خَالِقِي وَرَازِقِي وَمَوْلَايَ

دایم خدایم و دایم دهنده خورم و دایم دارم خدایم

كَأَشْهَدُ لِذَاتِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ

حاکم که گواهی داد که است برای خودش و گواهی داد که

الْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ مِنْ عِبَادِ

نامک و صاحبان علم از بندگان خود

بِأَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ذُو الْغَنَمِ

بنا که است خداوند و صاحب نعمت

وَالْإِحْسَانِ وَالْكَرَمِ وَالْأَمْنِ

و صاحب احسان و کرم و صاحب امن

قَادِرًا زَلَّيْ غَالِمًا أَبَدِيًّا

دانات بی اول است و دانات همی است و دانه

أَحَدِيٍّ مَوْجُودٍ سَرْمَدِيٍّ

کی صاحب وجود است بی اول و بی آخر

سَمِيعٍ بَصِيرٍ مَرِيدٍ كَارٍ مَذْلُومٍ

شنیدار و دانات و اراده کننده و بجز وادارنده و ذلیل

صَمَدِيٍّ لَيْسَ تَحْتَ هَذِهِ

جبری و اراده کننده و لایق است این

الْصِّفَاتِ وَهُوَ عَلَى مَا هُوَ

صبار و او بر آنچه او را است

عَلَيْهِ فِي غَرَضَاتِهِ كَانَ قَوِيًّا

در غرض و مقاصد خود بود و قوی

قَبْلَ وَجُودِ الْقُدْرَةِ وَالْقُوَّةِ

مرا درستی قدرت و توانایی

وَكَانَ عَلِيمًا قَبْلَ إِجَادِ الْعِلْمِ

و داند است و علم مرا را بعد از دانایی

وَالْعِلَّةِ لَمْ يَزَلْ سُلْطَانًا إِذْ

و علت بود و دانات است و همیشه

اِذْ لَا مَمْلَكَةَ وَلَا مَالَ وَلَمْ يَزَلْ

در مملکت بود است و مال نداشته بود است

سُبْحَانَا عَلَىٰ جَمِيعِ الْأَحْوَالِ

سبحان ما بر همه احوال

وَجُودُهُ قَبْلَ الْقَبْلِ فِي أَزَلٍ

و جود او پیش از پیش در ازل

الْأَزَالِ وَبِقَائِهِ بَعْدَ الْبَعْدِ

از ازل و باقی او بعد از بعد

مِنْ غَيْرِ انْتِقَالٍ وَلَا زَوَالٍ

محرکت و نقل و زوال

غَنِيٌّ فِي الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ

دو احوال در اول و آخر

مُسْتَعْنٍ فِي الظَّاهِرِ وَالْبَاطِنِ

در ظاهر و در باطن

لَا جُورَ فِي قَضَائِهِ وَلَا مِيلَ فِي

در حکم او و در قضا او

فِي مَشِيَّتِهِ وَلَا ظُلْمَ فِي تَقْدِيرِهِ

در خواست او و در امر او

وَلَا مَهْرَبَ مِنْ حُكْمِهِ

در حکم او

وَلَا مَلْجَأَ مِنْ سَطْوَاتِهِ وَلَا مَخْجَأَ

در پناهی او و در پناهی او

مِنْ نِقْمَاتِهِ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ

از عتابهای او پیش از رحمت او

غَضَبُهُ وَلَا يَفُوتُهُ أَحَدٌ إِذَا

بر غضب او و فوت نکند او را احدی و مسکند

طَلَبَهُ أَزَاحَ الْعِلَلِ فِي التَّكْلِيفِ

بطلند او را رامل کرده است عیله را در تکلیف کردن

وَسَوَى التَّوْفِيقِ بَيْنَ الضَّعِيفِ

و برابر کرده است قوی را با ضعیف و میسج

وَالشَّرِيفِ مَكْرَأَاءِ الْمُنَامِ

و شریف و سرفراز کرده است او را خواب کردن

وَسَهَّلَ سَبِيلَ اجْتِنَابِ

و آسان کرده است راه بر سر کردن

الْمَحْظُورِ لَمْ يُكَلِّفِ الطَّاعَةَ

از ممانعت نداشت از اطاعت کردن او را

الْأَدُونِ الْوُسْعِ وَالطَّاقَةِ

که در کم و اندک است و طاقت

سُجَّانَهُ مَا أَبْيَنَ كَرَمَهُ

سزده است او چه واضح است کرم او

وَأَعْلَى شَانَهُ سُجَّانَهُ مَا أَجَلُ

و در مرتبه عال او سزده است او چه نزدیک کرده است

نَيْلَهُ وَأَعْظَمَ إِحْسَانَهُ بَعْدَ

الطَّامِ او را و چه نزدیک کرده است چنان او را رساند

الْأَنْبِيَاءِ لِيُبَيِّنَ عَدْلَهُ وَ

انسان را تا آشکار کند عدالت خود را و

نَضَبَ الْأَوْصِيَاءِ لِيُظْهِرَ

نصب کرد و می یابد تا آشکار کند

طَوْلُهُ وَفَضْلُهُ وَجَعَلْنَا

احسان خود و قدر خود را و کردار خود را

مِنْ أُمَّةٍ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَيْرِ

ایمان اعلی ستم آن و بهترین

الْأَوْلِيَاءِ وَافْضَلِ الْأَصْفِيَاءِ

صاحبان و افضل صفا

وَأَعْلَى الْأَرْكَانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

درین رکنها که محمد است درود مستند خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمْثَالِهِ وَبِمَا عَمِلَ

بر او و آل او همان دردم او و مانند دردم او

إِلَيْهِ وَبِالْقُرْآنِ الَّذِي أَنْزَلَهُ

سوی آن و بکتابی که فرستاد و از او

عَلَيْهِ وَبِوَصِيَّتِهِ الَّذِي نَصَبَهُ

بر او و وصی او که نصب کرد و او را

يَوْمَ الْغَدِيرِ وَأَشَارَ بِقَوْلِهِ هَذَا

در روز غدیر و اشاره کرد بکلام خود که این

عَلَى إِلَيْهِ وَاشْهَدَانِ الْأَئِمَّةِ

علی است بر وی و دو گواهی می دهیم در پیشگاه شما

الْأَبْرَارِ وَالْخُلَفَاءِ الْأَخْيَارِ

نیکوکاران و پسران نیکو از مردمان

بَعْدَ الرَّسُولِ الْمُخْتَارِ عَلَقَ قُلُوبَهُمْ

بعد از پیغمبر برگزیده حضرت علی است و در قلوب پیوسته نهاد

وَمِنْ بَعْدِهِ سَيِّدُ أَوْلَادِهِ الْحَزَنُ

و از بعد او اعلی فرزندان و امام حسن

بْنِ عَلِيٍّ ثُمَّ أَخُو السَّبْطِ الثَّابِعِ

سر علی بعد از آن برادر او نواوه مردی سیده

لِرِضَايَةِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ ثُمَّ الْعَابِدِ

بر شوقی خدا را امام حسین بعد از آن نام رباب

عَلِيٍّ ثُمَّ الْبَاقِ مُحَمَّدٌ ثُمَّ الصَّادِقُ

علی بعد از آن محمد و محمد است سر حضرت صادق

جَعْفَرٌ ثُمَّ الْكَاسِمُ ثُمَّ الرِّضَا

که حضرت جعفر است سر حضرت کاسم که بر می آید بر حضرت رضا

عَلِيٍّ ثُمَّ التَّقِيُّ مُحَمَّدٌ ثُمَّ النُّفَعِيُّ عَلِيٌّ

که علی است بر حضرت محمد که بر می آید بر حضرت علی

ثُمَّ الزَّكَاةُ الْعَسْكَرِيُّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُجَّةُ

سر حضرت عسکری که حسن است بر حضرت حجة

الْخَلْفُ الصَّالِحُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ

خلف یقونام کشته است که است

الْمُهْدِيُّ الرَّجِيُّ الَّذِي يَبْقَاهُ

که حضرت مهدی است امیدوار است که بماند

بَقِيَّتِ الدُّنْيَا وَيَمِينُهُ رِزْقُ الْوَرَى

باقی است دنیا و یمین او رزق است واری داد و مرد و زنی

وَيُوجِدُهُ تَبَتُّ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ

و وجود او ثابت است از زمین و آسمان

بِهِ مَيْلَاءُ اللَّهِ الْأَرْضُ قِطْطًا وَغَدَا

بر او میل است خدا زمین را ارشه و غدا

بَعْدَ مَا مِلَّتْ ظُلُمًا وَجُورًا وَ

بعد از آنکه گشته باشد از ظلم و جور و

وَأَشْهَدَانِ أَقُولُ اللَّهُمَّ حُجَّةٌ وَ

وگوایم در محکمات ای اهل حق است برود

أَمْثَلُهُمْ مَفْرُوضَةٌ وَمَوْدَأُ

اهل حق را و اهل کفر را و دوی اهل حق

لَا زِمَةَ مَقْضِيَّةً وَالْأَقْدَاءُ

لازم و دواست و سردی کردن اهل حق

مُنْجِيَةً وَمَخَالَفَتُهُمْ مُدْرِيَةٌ وَهُمْ

کام و نجات دهنده و مخالفت کردن اهل حق را

سَادَاتُ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ

اهل حق است عاقلان و کلان

وَسُقَاةَ يَوْمِ الدِّينِ وَأَيْمَنَةً

و یحسان روز قیامت و سوا اهل حق

أَهْلُ الْأَرْضِ عَلَى الْيَقِينِ وَ

اهل ارض بر یقین و بر طبع دین

أَفْضَلُ الْأَوْصِيَاءِ الرُّضَيِّزِ

در سرین و صبی های ستمدیده کاند

وَأَشْهَدَانِ الْمَوْتَ حَقٌّ وَالْقَبْرِ

وگوایم در محکمات ای اهل حق است و در کون

وَمَسْئَلَةُ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ فِي الْقَبْرِ

در سندن و سؤالات در قبر

حَقٌّ وَالْبَعْثُ حَقٌّ وَالنَّشُورُ حَقٌّ

در دین حق است و بخت و بخت حق است

وَالصِّرَاطُ حَقٌّ وَالْمِيزَانُ حَقٌّ

و صراط حق است و میزان حق است

وَالْحِسَابَ حَقًّا وَكَفَّارًا

و حساب حق است و کفار را

حَقُّوْا الْحِجَّةَ حَقًّا وَ الشَّارِقُ

و بهت حق است و روشن

وَأَزْ السَّاعَةِ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا

و آنکه ساعت آنده است که شک در آن

وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ

و در سینه خدا زنده کند آنی که در قبر است

اللَّهُمَّ فَضْلَكَ رَجَائِي وَكَرَمَكَ

ای خدای من فضل تو امید من است و کرم تو

وَرَحْمَتَكَ أَمَلِي لَا عَمَلَ اسْتَحِقُّ

و رحمت تو آرزوی من است بجز آنکه کسی سزاوار

بِهِ الْجَنَّةَ وَلَا طَاعَةَ لِلسَّجْدِ

و آنرا که بهشت است و اطاعت را که لایق سجده است

بِهَا الرِّضْوَانُ إِلَّا أَنِّي اعْتَقَدْتُ

و شادی را که اسرار من در نزد تو است و بدو

تَوْحِيدَكَ وَعَدْلَكَ وَارْتَجَيْتُ

تو یگانه گویی را و عدالت را و امید داشتم

إِحْسَانَكَ وَفَضْلَكَ وَتَشَفَّعْتُ

احسان را و فضل را و شفاعت کردم برای خود

إِلَيْكَ بِالْبَيْتِ وَالْهَوَاوِصِيَّةِ

بوی تو به سوی من و دال و اوصیای او

مِرْاجَتِكَ وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ

از درگاهت و تو گرامی تر از گرامیانی

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللهُ

در حق کسی که برین رحمت گاهی درود فرستند

عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْعِلْ

راهای ما محمد و آل او هر چه خواهی

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَسَلِّمْ

که پاک باشند و پاکند

سَلَامًا كَثِيرًا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

دست خوار و نه قوه

إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ

مگر بخداوندی بزرگوار و عظیم ای خداوند

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ إِنِّي أُوَدِّعُكَ

ای رحمت خور ای رحمت کننده برین رحمت گاه

يَقِينِي هَذَا وَثَبَاتٌ دِينِي وَانْتِ

بصورت من را که امانت داری در دینم را و

خَيْرٌ مُسْتَوْدِعٍ وَقَدْ امْتَنَّا بِحِفْظِ

سیرت و امانت و لای که حفظ میکنی از گردن ما نگاه

الْوَدَّاعِ فَرِّدْهُ عَلَيَّ وَفَتْ حَضْرَتِ

ای صاحب پس من را که در امانت داری

مَوْفِقٍ وَعِنْدَ مَسْئَلَةِ مُتَكِرٍ وَكَيْفَ

را که تو در هر گاه گردن من را داری

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

محمد و آل او که پاک باشند و پاکند

بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

رحمت خور ای رحمت کننده برین رحمت گاه

تَعْقِيبُ الظُّلَمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
نام خداوند رحمت و مهربانی

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَكِيمُ
ست خدا که خدای بزرگ و دانا

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ
ست خدا که خدای درودگار عرش

الْكَرِيمُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
کرامی و ستایش بر خداوند که درودگار

الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
خدایا من است ای خدایا من که مرا از تو بخواهم

مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَغَزَائِمِ

اعمالی رحمت را و غزای

مَغْفِرَتِكَ وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ

اگرش را و نصیب از هر سبکی

وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ آسٍ

و هلاکت از هر گدازی

اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ عَلَيَّ ذَنْبًا إِلَّا

ای خدایا من که از گناهی من بخواهی

عَفْرَتَهُ وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجَتَهُ

نازای مرا و نه غمی که برسد زایل کرد مرا

وَلَا كَرْبًا إِلَّا أَكْشَفْتَهُ وَلَا سَقَمًا

و نه اندوهی که برسد کنایه از او و نه مرضی

الْأَشْفِيَّةُ وَلَا عَيْنًا إِلَّا شَرُّهُ

کرامت که شادی ارا و غمی کرامت که نالی ارا

وَلَا رِزْقًا إِلَّا بَسْطَتُهُ وَلَا دِينًا

و نه روزی کرامت که بس گوی ارا و نه دینی

إِلَّا قَضَيْتُهُ وَلَا خَوْفًا إِلَّا أَمْنُهُ

کرامت که ادا کنی ارا و نه رسی کرامت که امن کنی ارا

وَلَا سُوءَ إِلَّا أَصْرَفْتُهُ وَلَا

و نه بدی کرامت که ادا کنی ارا و نه

حَاجَةً هِيَ لَكَ رِضَاوِي

حاجی که اراحت راجح شودی ارا و نه

فِيهَا صَلَاحٌ إِلَّا قَضَيْتُهَا

در ارا صلاح ارا کرامت که ادا کنی ارا

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

ای رحمت ترین رحمت کنان بخاک کن ای

پروردگار عالمی

بیت ناصح است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خداوند بخشنده و مهربان

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا

اگر گشایم بخدا که است خدا را

هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

او که زنده است و ماند و بخشنده و مهربان

ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَسُئِلَهُ

صاحب برکت و کرامت و من بگویم ارا

اَنْ يَتُوبَ عَلٰى تَوْبَةٍ عِنْدَكَ لِئَلَّا

که توبه کند و در توبه کردی توبه جوار

خاضِعٌ فَقِيرٌ بِأَسْمِكَ مُسْتَكِينٌ

و سستی کند و بجز که ای زاری است و استغاثه

مُسْتَجِيرٌ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا

که نجات باشد برای نفس خود و نفع و نفع

ضَرًّا وَلَا مَوْتًا وَلَا حِقْوقًا وَلَا نَشُورًا

ضرر و مرگ و مرگ و مرگ و مرگ و مرگ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ تَقَلُّبِ السَّعَةِ

خدایا من استعاذم به از گرد آمدن و رفتن سعادت

وَمِنْ قَلْبٍ يَخْشَعُ وَمِنْ دُعَاءٍ

و از دلی که خوار شود و از دعا که

لَا يَسْمَعُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ

نعمت بود خدایا من استعاذم به از دشواری

بَعْدَ الْعُسْرِ وَالْفَرْجَ بَعْدَ الْكُرْبِ

بعد از دشواری و درج بعد از ستم و آزار

وَالرَّخَاءَ بَعْدَ الشَّدَةِ اللَّهُمَّ مَا إِنَّا

و آسایشی بعد از شدت را خدایا ما نیستیم

مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا إِلَهَ

میستیم پس از تو و تو را نیست خدای دیگر

إِلَّا أَنْتَ اسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ

مگر از تو استغفار می کنم و توبه می کنم به تو

بِقَبْلِكَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نام خدا و رحمت خداوند و بزرگواری خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُرِي الْغَيْبَ وَاللَّيْلُ فِي النَّهَارِ

سپاس از خداوندی که در روز روشن آنچه را که در شب پنهان است را در روز

وَيُورِي النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ

و در روز روشن آنچه را که در شب پنهان است را در روز و سپاس از خداوندی که در روز روشن

كُلَّمَا وَقَبَ لَيْلٍ وَعَشَقَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

هرگاه که هر شب و هرگاه که هر شب و سپاس از خداوندی که در روز روشن

كُلَّمَا لَاحَ نَسِيْعًا نَجْمٌ وَخَفَقَ

هرگاه که هر شب و هرگاه که هر شب و سپاس از خداوندی که در روز روشن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نام خدا و رحمت خداوند و بزرگواری خداوند

اعِزُّ نَفْسِي وَذَرِّتِي وَدِينِي

عزت من را بزرگواری و مرا را بزرگواری و دین مرا را بزرگواری

أَهْلِي وَمَالِي بِكَلِمَاتِ اللَّهِ

اهل خود را و مال خود را با کلمات خداوند

الْثَّامَاتِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مُنْكَرٍ

کلمات خداوند از هر شیطان منکر

وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَةٍ

و از هر چشمی که در شب روشن شود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نام خدا و رحمت خداوند و بزرگواری خداوند

أَطِيعُ مَوْلَى اللَّهِ وَذِمُّهُ أَنْبِيَاءَهُ

بسیج کردم به پسر خداوند و پند دادم به پیغمبران خداوند

وَدِيمِ رُسُلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ

وَعَهْدِي بِرُسُلَائِي رَأَيْتُ أَنْ مَا دَسَلَامُ

ذِمَّةُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

وَعَهْدِي مُحَمَّدٍ وَرَدَدْتُ خُذُوا رَأْيِي وَرَأْيِي

وَدِيمِ الْأَوْصِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

وَعَهْدِي بِصِهْرِي رَأَيْتُ أَنْ دَسَلَامُ

أَمْسَتْ بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَتَهْلِكُ

أَعْيُنُ وَرَدَدْتُ رَأْيِي رَأْيِي وَرَأْيِي

وَعَايَتِهِمْ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ

وَعَايَتِهِمْ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ

طَاعَتِهِ كَمَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

وَعَهْدِي مُحَمَّدٍ وَرَدَدْتُ خُذُوا رَأْيِي وَرَأْيِي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

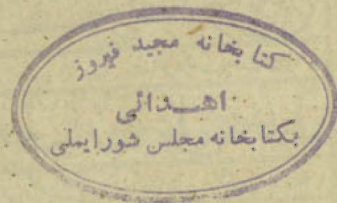
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



کتابخانه معبد فیروز
 اهستانی
 بکتابخانه مجلس شورای اسلامی
 کتابخانه معبد فیروز
 اهستانی
 بکتابخانه مجلس شورای اسلامی
 کتابخانه معبد فیروز
 اهستانی
 بکتابخانه مجلس شورای اسلامی
 کتابخانه معبد فیروز
 اهستانی
 بکتابخانه مجلس شورای اسلامی

de

